

Original Article

**The Role of Government and People in the Realization and Implementation of Citizenship Rights**

Nader Karami Dehlan<sup>1</sup>, Seyed Mohamad Hashemi<sup>2\*</sup>

1. Ph.D. Student in Public Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: dr.sm.hashemi@yahoo.com

Received: 4 Mar 2020 Accepted: 21 Jul 2020

**Abstract**

**Background and Aim:** The citizen in Persian consists of two phrases: "city" the place of human community and "vand", the factor of human connection to this social place, and a citizen is someone who belongs to his place of residence and human community. This citizen is specific to when a person has a right and is opposed to a subject or a citizen or a follower. Therefore, the purpose of this study is to investigate the role of people and government in the realization and implementation of citizenship rights in society.

**Materials and Methods:** This research has been done in a descriptive-analytical method using library data. Also, the role of government and people in the implementation of citizenship rights in the system of the Islamic Republic has been studied by taking the method of research-related sources

**Findings:** Citizen means human being with dignity; the discussion of human rights makes sense by considering human dignity and specific human concepts such as human rights. There is no such thing as citizenship rights and the phrase "citizenship rights" is in fact a set of rules governing privileges and what is to the dignity of citizens within Iran.

**Conclusion:** The results showed that the government through judicial and non-judicial proceedings and the people through education, demanding, requesting a fair trial can play a role in the realization and enforcement of citizenship rights in society.

**Keywords:** Right; Citizen; Citizenship Rights; Government; People

**Please cite this article as:** Karami Dehlan N, Hashemi SM. The Role of Government and People in the Realization and Implementation of Citizenship Rights. *Bioethics Journal*, Special Issue on Bioethics and Citizenship Rights 2020; 145-157.

## نقش حکومت و مردم در تحقق و اجرای حقوق شهروندی

نادر کرمی دهلان<sup>۱</sup>، سیدمحمد هاشمی<sup>۲\*</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استاد گروه حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: dr.sm.hashemi@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۸

### چکیده

**زمینه و هدف:** شهروند از دو عبارت «شهر»، محل اجتماع انسانی و «وند» عامل پیوستگی انسان به این محل اجتماعی تشکیل شده و شهروند کسی است که به محل زندگی خود و اجتماع انسانی تعلق خاطر دارد. این شهروند مختص زمانی است که انسان دارای حق است و در مقابل رعیت یا تبعه یا پیرو قرار می‌گیرد، لذا هدف از این پژوهش بررسی نقش مردم و حکومت در تحقق و اجرای حقوق شهروندی در جامعه است.

**مواد و روش‌ها:** در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به صورت فیش‌برداری از منابع مرتبط با تحقیق به بررسی نقش حکومت و مردم در اجرای حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

**یافته‌ها:** شهروند، یعنی انسان دارای کرامت است؛ بحث حقوق انسانی با لحاظ کردن کرامت انسانی و مفاهیم خاص بشری مانند حقوق بشر معنا پیدا می‌کند. چیزی به نام حقوق شهروندی وجود ندارد و عبارت حقوق شهروندی در حقیقت مجموعه قوانین مقررات امتیازات و آنچه که به کرامت شهروندان درون ایران قرار می‌گیرد، عنوان می‌شود.

**نتیجه‌گیری:** نتایج به دست‌آمده نشان داد که حکومت از طریق رسیدگی قضایی و غیر قضایی و مردم از طریق، آموزش، مطالبه‌گری، تقاضای دادرسی عادلانه می‌توانند در تحقق و اجرای حقوق شهروندی در جامعه نقش داشته باشند.

**واژگان کلیدی:** حق؛ شهروند؛ حقوق شهروندی؛ حکومت؛ مردم

## مقدمه

حقوق شهروندی مجموعه مقررات حقوقی است که قانون اساسی و حقوق موضوعه هر کشوری برای افرادی که تابعیت آن کشور را دارند، وضع می‌کنند، از آنجایی که حقوق شهروندی توجه بسیاری از حقوقدانان و پژوهشگران جامعه را به خود اختصاص داده است، همین امر موجب شده که ضرورت‌های مسأله حقوق شهروندی چند برابر شود. حقوق شهروندی مجموعه مقررات حقوقی است که قانون اساسی و حقوق موضوعه هر کشوری برای افرادی که تابعیت آن کشور را دارند وضع می‌کنند، از آنجایی که حقوق شهروندی توجه بسیاری از حقوقدانان و پژوهشگران جامعه را به خود اختصاص داده است، همین امر موجب شده که ضرورت توجه به حقوق شهروندی چند برابر شود.

چهار حوزه اصلی شهروندی به طور مرسوم متمایز گشته است: ۱- ابعاد مدنی؛ ۲- سیاسی؛ ۳- اقتصادی؛ ۴- اجتماعی - فرهنگی. سه حوزه اول توسط توماس مارشال بعد از جنگ جهانی دوم مشخص شده است و بعد چهارم بعداً ظاهر شد. این چهار حوزه از شهروندی مدرن در یک تعامل پیچیده درون یک بعد جهانی، پویا و درهم‌تنیده و همبسته هستند.

حقوق شهروندی در نظرات مارشال عبارتند از: حقوق مدنی (آزادی در انعقاد قرارداد و مالکیت اصول و نیز آزادی تجمع، بیان و اندیشه)، حقوق سیاسی (حق مشارکت در روندهای سیاسی و رأی‌دادن و نامزدشدن در انتخابات)، حقوق اجتماعی (حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی، حق اشتغال، حق آموزش، حق برخورداری از امنیت، حق برخورداری از بیمه‌های اجتماعی و...) می‌باشد. مارشال معتقد است که حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی که عناصر جداگانه شهروندی مدرن را تشکیل می‌دهند، در ساختار فئودالی بر یک رشته یکپارچه و واحد کشیده شده بودند. هم‌آمیزی و اختلاط حقوق فئودالی، منعکس‌کننده هم‌زیستی کارکردهای مدنی و سیاسی در نهادهای فئودالی می‌باشد. با اضمحلال جامعه طبقاتی و برآمدن داد و ستد بازار که به وسیله احکام و دستورات عرفی، اجتماعی و دینی محدود نشده بود، حوزه‌های اقتصادی و سیاسی به طور نهادی جدا و مستقل شدند. در

نتیجه این حرکت نهادهایی که سه عنصر شهروندی بر آن‌ها متکی بودند، از هم جدا شدند و این امکان برای هر کدام فراهم شد که مسیر جداگانه خود را بپیمایند و با شتاب ویژه خویش بر طبق هدایت اصول خاص خود در حرکت باشند (۱). این چهار حوزه شهروندی پیامدهایی برای فرآیند شهروندی دارد. بعد سیاسی مستلزم آگاهی از نظام سیاسی، نگرش‌های دموکراتیک و مهارت‌های مشارکت می‌باشد. بعد اقتصادی و اجتماعی مستلزم آگاهی از روابط اجتماعی در جامعه و مهارت‌های اجتماعی و همین طور آموزش حرفه‌ای و شغلی می‌باشد. بعد فرهنگی مستلزم آگاهی از میراث فرهنگی، تاریخ و مهارت‌های پایه می‌باشد. به صورت حداقلی، دموکراسی مستلزم حقوق سیاسی و فردی شهروندی از جمله حقوق اقلیت می‌باشد. این امر وابسته به حاکمیت قانونی و جامعه مدنی است. اصولاً در هر جامعه دو مکرانیک رعایت حقوق شهروندان امری ضروری به نظر می‌رسد در این راستا در کنار وضع و تدوین قوانین که برقرارکننده نظم در هر جامعه به شمار می‌رود. حقوق و تکالیف شهروندان و همچنین دستگاه‌های دولتی را بیان می‌کند، دستگاه‌ها و سازمان‌های متولی اجرای قانون نیز باید طبق قانون وظایف خود را در رعایت هرچه بهتر حقوق شهروندان آن جامعه انجام دهند، اما در همه جوامع دموکراتیک اصل نظارت بر دستگاه‌های دولتی و قوه مجریه به دلیل این‌که از اختیارات فراوانی برخوردارند، به عنوان یکی از اصول مهم در رعایت حقوق شهروندان به شمار می‌رود. نظارت بر قدرت سیاسی در تاریخ اندیشه سیاسی در دو حوزه نظارت درونی و نظارت بیرونی مورد بررسی قرار گرفته است. نظارت در حقیقت برای پیشگیری از فساد حکومت و حاکم صورت می‌پذیرد و یکی از ابعاد بسیار مهم برای تحقق این امر تحدید مظاهر طغیان گر قدرت است که البته در جوامع و شرایط مختلف چگونگی آن متفاوت است (۲).

نظارت بر دستگاه‌های دولتی یکی از خصایص بنیادین و مشخصه اساسی حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی و مردم سالاری می‌باشد. در این نوع نظام‌های سیاسی، نظارت بر اعمال حکومتی به شیوه و طرق گوناگون تضمین و اعمال

حکومت و مردم چه نقشی در اجرای حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی ایران دارند؟

#### ۱- پیشینه پژوهش

اکبریان طبری (۱۳۹۴ ش.) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «مفهوم حقوق شهروندی و جایگاه آن در آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری» بیان می‌کند، حقوق شهروندی مجموعه‌ی امتیازاتی است که به شهروندان یک کشور اعطا می‌شود. مبنای این حقوق، دو اصل کرامت انسانی و منع تبعیض است و هدف آن فراهم‌ساختن زمینه‌های رشد شخصیت فردی و اجتماعی است. حقوق شهروندی را می‌توان از نقطه نظر حقوق مدنی، سیاسی و قضایی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی تقسیم و تحلیل کرد. طبق مبانی حقوق شهروندی (اصل کرامت و منع تبعیض) باید ضمن انجام اقدامات پیشگیرانه در جهت مبارزه با نقض حقوق شهروندی، با اقدامات ناقض این حقوق برخورد قضایی شود.

جلالی و ضیایی (۱۳۹۲ ش.) در مقاله‌ای تحت عنوان «نقش آمبود زمان‌ها در توسعه و ارتقای مردم‌سالاری» بیان کرده‌اند که تجربه امروز بشر نشان داده که قدرت، چنانچه تحت نظارت و کنترل نباشد و خود را در برابر مردم پاسخگو نداند، لاجرم به فساد کشیده خواهد شد، لذا نظارت بر دستگاه‌های حکومتی حتی در یک نظام مردم‌سالار، یک نیاز ضروری است که در چارچوب قانون باید اعمال شود. این امر در درجه نخست بر عهده دستگاه قضایی می‌باشد، اما پیچیدگی حاکم بر محاکم قضایی و اطاله دادرسی‌ها در راهروهای پر پیچ و خم آن موجب گردید که برخی کشورها اقدام به تشکیل سازمان‌هایی نمایند که بتوانند به شیوه غیر قضایی و در کوتاه‌ترین زمان به شکایات مردم رسیدگی کنند. این سازمان‌ها تحت عنوان آمبودزمان نام گرفتند. امروزه آمبود زمان با تدارک آسان بررسی فرآیندهای شکایت‌های شهروندان علیه مقامات و دستگاه‌های اجرایی، به عنوان یک قسمت غیر قابل انکار از روش‌های حمایت از حقوق شهروندان تلقی می‌شود، به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد انتظار تحقق یک نظام مردم‌سالار و توسعه‌یافته بدون داشتن آمبودزمانی کارآمد و مستقل، دور از ذهن خواهد بود. بر این اساس، آمبودزمان‌ها

می‌شود که از آن جمله می‌توان به نظارت نمایندگان مردم احزاب و تشکل‌های سیاسی مطبوعات و رسانه‌های همگانی نهادهای مستقل مردمی و مدنی و همچنین دستگاه قضایی مستقل و بی‌طرف اشعار داشت. نظارت بر کار دستگاه‌های دولتی می‌تواند به سه صورت نظارت اداری، نظارت پارلمانی و نظارت قضایی صورت گیرد. در نظارت اداری که نظارت توسط خود قوه مجریه صورت می‌گیرد، چون احتمال بی‌طرفی دستگاه اداری در رسیدگی به دعوی اداری نمی‌رود، این روش چندان تأیید نشده است. در روش نظارت پارلمانی نیز گرچه این روش به سهم خود اهمیت دارد، ولی بیشتر برای ارزیابی درجه پیشرفت هدف‌ها و برنامه‌ها سودمند است. از میان این روش‌ها نظارت قضایی، چون دستگاه قضایی دستگاه بی‌طرف و حامی حقوق شهروندان است از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به غیر از نظارت قضایی، نهادهایی در جامعه بر عملکرد اجرایی دستگاه‌های دولتی نظارت می‌کنند و به شکایات مردم علیه این دستگاه‌ها رسیدگی می‌کنند. این‌گونه نهادها با عنوان مؤسسات «امبودمن» در اکثر کشورهای اروپایی تشکیل شده‌اند، البته در کشور ما این وظیفه بر عهده سازمان بازرسی کل کشور می‌باشد که وظایفی مشابه وظایف نهاد امبودزمان انجام می‌دهد. این‌گونه نهادها مرجع قضایی رسیدگی‌کننده به شکایات مردم نیستند، بلکه شکایات شهروندان راجع به عملکرد دستگاه‌های دولتی را دریافت کرده، پس از بررسی و تأیید موجه‌بودن شکایت ضمن توصیه به دستگاه مورد نظر جهت رفع نقائص عملکردی آن دستگاه و به اطلاع‌رساندن مردم از طریق رسانه‌های عمومی و افکار عمومی، اگر لازم بود جهت رسیدگی‌های بیشتر شکایت را به مراجع قضایی صالح داده و تا پایان رسیدگی آن را پیگیری می‌کنند. وجود و توسعه نهادهای نظارت‌کننده بر عملکرد دستگاه‌های دولتی در کشورهای دنیا در سال‌های اخیر نشان‌دهنده توجه و حمایت هرچه بیشتر از حقوق شهروندان در آن جامعه می‌باشد. در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی سعی در بررسی نقش حکومت و مردم در تحقیق حقوق شهروندی خواهیم داشت. بنابراین محقق در پی پاسخگویی به این پرسش است که

مورد توجه سازمان ملل و دولت‌ها قرار گرفته‌اند تا به عنوان روش و ساختاری نوین در حمایت و ترویج حقوق بشر و حقوق شهروندی فعالیت نمایند. این نهادها که با مشارکت مردم، سازمان‌های غیر دولتی فعال حقوق شهروندی و دولت طبق قانون تشکیل شده و انجام وظیفه می‌کنند با انجام وظایف حمایتی، آموزشی و ترویجی نقش مهمی در پیشبرد حقوق شهروندی در کشورها دارند.

### مواد و روش‌ها

در این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای به صورت فیش‌برداری از منابع مرتبط با تحقیق به بررسی نقش حکومت و مردم در اجرای حقوق شهروندی در نظام جمهوری اسلامی پرداخته شده است.

### ۱- مفاهیم و تعاریف

۱-۱- حق: حق را به معنای ثبوت، ضد باطل، وجوب (۳)، موجود ثابت، مطابقت و موافقت (۴) و نیز قرارگرفتن چیزی در موضع خودش [که آن موضع برای وی در نظر گرفته شده] گفته‌اند (۵) عده‌ای هم با بررسی معانی این واژه در لغت نامه‌های مختلف، معنایی که در همه کاربردهای آن لحاظ شده است را ثبوت به همراه مطابقت با واقع دانسته‌اند (۶).

در کتاب «ترمینولوژی حقوق»، ذیل واژه «حقوق» معانی ذیل به کار رفته است:

- جمع حق به معنی حق جزئی و حق کلی است. این اصطلاح در فقه و در حقوق جدید به کار رفته است.

- به معانی علمی که از قوانین موضوعه بحث می‌کند، ولو این‌که به طور استطراد از حقوق طبیعی هم بحث نماید. این اصطلاح در فقه سابقه ندارد و ترجمه اصطلاحات غربی است. در رشته حقوق اداری به معنی اجرت کار کارمند دولت است. حقوق به غلط در مقابل جزا به کار رفته و می‌رود (۷).

عده‌ای از اساتید حقوق معتقدند: «حق امتیاز و نفعی است که حقوق هر کشور در مقام اجرای عدالت از آن حمایت می‌کند و به او نوعی تصرف در موضوع حق و منع دیگران از تجاوز به آن را می‌دهد» (۸) یا «سلطه و اختیاری است که

می‌توانند از رهگذر کارویژه‌ها و قابلیت‌هایی که برای آن‌ها متصور است، در نهادینه کردن مردم‌سالاری و تحکیم اصول آن نقشی تعیین‌کننده ایفا نمایند.

فرچ‌پور (۱۳۹۴ ش.) در پایان‌نامه خود تحت عنوان «معیارهای تمایز حقوق بشر و حقوق شهروندی با تأکید بر حقوق اساسی ایران و فرانسه» بیان می‌کند حق‌های بشری، حق‌های بنیادینی هستند. این حقوق مقوم ذات انسانی‌اند و غیر قابل سلب می‌باشند، اما حقوق شهروندی متفاوت از حقوق بشر، ناظر به حقوقی هستند که افراد جامعه، بخاطر وفاداری به سعادت جمعی شهروندان که در قالب حمایت از حاکمیتی مشروع می‌باشد، آن‌ها را تصاحب کرده و از آن‌ها بهره می‌برند. طبق این تعریف پذیرفته‌شده، هر نظام حقوقی با توجه به شرایط دینی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیطی و سایر عوامل، حق‌های شهروندی را احصا کرده و نظام حقوق شهروندی مخصوص به خود را خواهد داشت. نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه هم از این قاعده مستثنی نمی‌باشند و هر دو نظام با توجه به شرایط زیست جمعی، حق‌های بشری را تحدید و توسعه می‌دهند و دارای نظام قواعد حقوق شهروندی می‌باشند. این نوع فرآیند و ساز و کار زایش و تولد حق‌های شهروندی منطبق با اسناد حقوق بشری از جمله ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۴ اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ هم می‌باشد. در این تحقیق سعی بر آن شده است که اولاً مبانی نظری تمایز حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران و فرانسه تبیین گردد؛ ثانیاً معیارهای تصاحب حقوق شهروندی که همانا دو اصل طلایی، یعنی اصل وفاداری به سعادت و مصالح جمعی و اصل کار مثبت می‌باشد و همچنین معیارهای فرعی متناسب با جامعه ایران و فرانسه، واکاوی گردد؛ ثالثاً سازگاری و مشروعیت حقوق شهروندی با بایسته‌ها و هنجارهای جامعه فرانسه و ایران و نظام بین‌الملل حقوق بشر بررسی و سنجیده شود.

مقامی (۱۳۹۲ ش.) در مقاله خود تحت عنوان «نهاد ملی حقوق شهروندی» بیان کرده است با توجه به لزوم نهادی‌سازی برای ایجاد، حفظ و گسترش فرهنگ حقوق شهروندی، نهادهای ملی حمایت و ترویج حقوق بشر طی ۱۵ سال گذشته

حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آن‌ها می‌دهند» (۹).

۲-۱- شهروند: از نظر لغوی، شهروند (Citizen) از شهر (City) ریشه می‌گیرد و شهر تنها اجتماعی از ساکنین یک منطقه معین نیست، بلکه مفهوم واحد سیاسی مستقلی را افاده می‌کند (۱۰). همچنین شهروند به معنای باستانی کلمه به مفهوم برابری حقوق و وظایف در برابر قانون و مشارکت سیاسی فعال دلالت داشت. شهروندبودن یعنی توانایی حکومت کردن و حکومت‌شدن (۱۱).

حقوقدانان نظام حقوقی ایران نیز در تعریف مفهوم شهروند چنین گفته‌اند: «برخی برای شهروند دو مفهوم عام و خاص در نظر گرفته‌اند که در مفهوم خاص «شهروند» به عضو از جامعه اطلاق می‌شود که حق مشارکت فعالانه در تمثیت اداره امور سیاسی جامعه خود را داشته باشد و در تعریف به معنای تبعه است و به کلیه افرادی که در قلمرو یک کشور زندگی می‌کنند و تابع دولت حاکم هستند، اطلاق می‌شود» (۱۲).

«حقوق شهروندی (Citizenship Rights)» حقوقی است برای شهروندان یک کشور در رابطه با مؤسسات عمومی مانند حقوق اساسی، حق استخدام، حق انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن، حق گواهی‌دادن در مراجع رسمی، حق داور و مصدق‌شدن. بنابراین واژه مذکور اعم از حقوق سیاسی است (۱۳).

از ویژگی‌های حقوق شهروندی نیز می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- جهانی است، زیرا حق مسلم هر عضو خانواده بشری است و هر انسانی در هر کجا که باشد و از هر نژاد، زبان، جنس یا دین، مستحق آن است.

- غیر قابل انتقال است و از بشر قابل انفکاک نیست، چراکه بدون آن نمی‌توان فرد را بشر نامید.

- تقسیم‌پذیر نیست.

- عناصر آن لازم و ملزوم یکدیگر و متمم و مکمل هم هستند.

- هدیه‌ای الهی است و هیچ مقام بشری این حقوق را اعطا نمی‌کند.

- حقوق ذاتی و فطری انسان است و از آن به صفات شخصیتی بشر تعبیر نمی‌شود و به هیچ قراردادی وابسته نیست (۱۴).

## ۲- نقش حکومت در تحقق و اجرای حقوق شهروندی

حکومت و دولت از طریق رسیدگی قضایی و غیر قضایی می‌تواند به اجرای حقوق شهروندی در جامعه کمک نماید:

۲-۱- رسیدگی قضایی: مراجع شبه‌قضایی در قوانین با تعاریفی متفاوتی ذکر شده است (۱۵)؛ در تبصره ۱ ماده ۵۸ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵ این مراجع را دادگاه اداری نامیده‌اند. همچنین در ماده ۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ در یک قانون با دو تعبیر متفاوت از «مراجع غیر قضایی» رو به رو هستیم، به گونه‌ای که در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴ و در ماده ۱۰۳ این قانون از عبارت «مراجع اختصاصی غیر قضایی» استفاده شده، در حالی که در ماده ۲۵۳ اصطلاح «دادگاه اختصاصی اداری» به کار رفته است. در رویه دیوان نیز دچار این چندگانگی اصطلاحات به کاررفته در مورد مراجع شبه‌قضایی هستیم. اساتید حقوق اداری نیز با عبارات مختلفی از این نهادها و مراجع یاد می‌کنند، «دادگاه اداری» (۱۶)، «دادگاه اختصاصی اداری» (۱۷)، «مراجع اختصاصی اداری» (۱۸)، «مراجع شبه‌قضایی» (۱۹) و... عناوینی هستند که معمولاً در مورد مراجع شبه‌قضایی به کار می‌روند (۲۰). به این دلیل این مراجع را دادگاه می‌نامند که این مراجع صلاحیت ترافعی دارند و به دعاوی، شکایات، تظلمات و اختلافات رسیدگی نموده و به نفع یکی از طرفین رأی می‌دهند (۲۰)، اما استفاده از واژه دادگاه برای این مراجع از این جهت درست نیست که اولاً از نظر ترمینولوژی و جایگاه حقوقی این مراجع برخلاف کشورهای همچون فرانسه و انگلیس دادگاه نیستند؛ ثانیاً همه افراد رأی‌دهنده در این مراجع چه از نظر اصطلاحی و چه به لحاظ جایگاه حقوقی قاضی نیستند (۲). بنابراین کاربرد اصطلاح مراجع به جای دادگاه درست‌تر می‌باشد و از آنجا که تصمیم این مراجع لازم الاجرا و دارای ضمانت اجرا هستند، می‌توان به شبه‌قضایی بودن آنان پی برد و کاربرد مراجع شبه‌قضاییه بهترین تعبیر برای نامیدن این نهادها می‌باشد.

کارگران و مدیران صنایع در هیأت‌های تشخیص مصوب ۱۳۷۰/۱/۲۶ شورای عالی کار مشتمل بر ۱۲ ماده و ۴ تبصره و آیین‌نامه طرز اجرای آرای قطعی هیأت‌های تشخیص و حل اختلاف موضوع ماده ۱۶۶ قانون کار مصوب ۱۳۷۰/۲/۱۲ هیأت وزیران مشتمل بر ۴ ماده، بیان گردیده است.

۱-۲-۴- بند چهارم: کمیسیون اصل نود: در نظام‌های سیاسی پیچیده امروز، نظارت امری ضروری و گریزناپذیر است. منتها نوع نظارت و نظام آن، در کشورهای مختلف بسیار متفاوت است. بر اساس قوانین نظام جمهوری اسلامی ایران نقش نظارت قوه قضاییه به دلیل تمرکز سازمان بازرسی کل کشور و دیوان عدالت اداری از سایر قوا بیشتر است و نقش بعدی را باید به قوه مقننه داد که با شیوه‌ها و آیین ویژه‌ای قادر به نظارت و رسیدگی به شکایات مردم علیه طرز کار قوا و سایر نهادهاست.

۱-۲-۵- بند پنجم: سازمان بازرسی و کارکرد اصلاح الگوی مدیریتی در دستگاه‌های اجرایی: بر اساس اصل ۱۷۴ قانون اساسی (بر اساس حق نظارت قوه قضاییه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند) درباره سازمان بازرسی کل کشور ذکر شده است که نظارت در این سازمان به دو نوع، «نظارت بر حسن جریان امور در دستگاه‌های اداری» و «نظارت بر اجرای صحیح قوانین» تقسیم می‌گردد (۲۲)، اما مفهوم دقیقی در این قانون درباره حسن جریان امور ارائه نشده است، اما حسن جریان در برابر سوء جریان قرار می‌گیرد که می‌توان این‌گونه از این اصل برداشت کرد که دستگاه‌های اداری باید در امور خود، اهداف و مقررات تعیین‌شده را پیگیری نمایند که عدم توجه به اهداف باعث می‌گردد که نتوانند به وظایف خود بپردازند (۲۳). بر مبنای هدف دوم قانونگذار به سازمان، صلاحیت بررسی الگوها و شیوه‌های صحیح اجرای قوانین را می‌دهد و طبق بند «ب» ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی به آن صحه گذاشته است که این موارد باید مورد توجه قرار گیرند. «نحوه عملکرد و رفتار مسؤولان از

۱-۲-۱- بند اول: مراجع بدوی و تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان: قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان مصوب ۱۳۷۲/۹/۷ و آیین‌نامه مورخ ۱۳۸۳/۸/۲ هیأت وزیران می‌باشد. به موجب مقررات موصوف، به منظور رسیدگی به تخلفات اداری در هر یک از دستگاه‌های مشمول این قانون هیأت‌هایی تحت عنوان هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان تشکیل خواهد شد. هیأت‌های مزبور شامل هیأت‌های بدوی و تجدید نظر می‌باشند. کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، شرکت‌های ملی نفت و گاز و پتروشیمی و شهرداری‌ها و بانک‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است و مؤسساتی که تمام یا قسمتی از بودجه آن‌ها از بودجه عمومی تأمین می‌شود و نیز کارکنان مجلس شورای اسلامی و نهادهای انقلاب اسلامی مشمول مقررات این قانون هستند. مشمولین قانون استخدام نیروهای مسلح و غیر نظامیان ارتش و نیروهای انتظامی قضات، اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و مشمولان قانون کار از شمول این قانون خارج بوده و تابع مقررات مربوط به خود خواهند بود (۲۱).

۱-۲-۲- بند دوم: کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری (رسیدگی به تخلفات ساختمانی): مقررات مربوط به این کمیسیون در ماده ۱۰۰ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳۴/۴/۱۱ با اصلاحات و الحاقات بعدی مصوب ۱۳۵۸ و یازده تبصره ذیل آن بیان گردیده است. به موجب مقررات موصوف، کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری صلاحیت رسیدگی به کلیه تخلفات ساختمانی محدوده شهر یا حریم آن را دارد.

۱-۲-۳- بند سوم: هیأت تشخیص و هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما: مقررات مربوط به تأسیس و فعالیت مراجع حل اختلاف کارگر و کارفرما اعم از هیأت تشخیص و هیأت حل اختلاف در مواد ۱۵۷ تا ۱۶۶ قانون کار مصوب ۱۳۶۹/۸/۲۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام و همچنین در آیین‌نامه چگونگی تشکیل جلسات و نحوه رسیدگی هیأت حل اختلاف مصوب ۱۳۶۹/۱۲/۱۲ شورای عالی کار مشتمل بر ۹ ماده و ۴ تبصره و آیین‌نامه اجرایی مربوط به انتخابات و نمایندگان

قضایی صالح و مراجع اداری و انضباطی مربوطه ارجاع می‌دهد و تا حصول نتیجه نهایی پیگیری خواهد کرد.

## ۲-۲- رسیدگی غیر قضایی: در بخش رسیدگی قضایی

عناوینی چون نهادهای ملی و نهادهای ویژه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۲-۲-۱- بند اول: نهادهای ملی: در سال ۱۳۸۳ دولت

تصمیم داشت برای «نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی» لایحه‌ای دریافت نمود که تا اندازه‌ای با مقررات اسلامی یا قانون اساسی تناقض داشت (از جمله ماده ۲۷ لایحه اشاره می‌کند که مذهب رسمی کشور شیعه اثنی عشری است و «سایر مذاهب و ادیان مورد احترام هستند.» اینجا منظور از سایر مذاهب و ادیان باید مشخص شود که آیا لایحه در مقام تعارض با اصل ۱۳ قانون اساسی است یا نه؟ این اصل فقط از ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی به عنوان ادیان مورد احترام و شناخته‌شده پس از دین رسمی کشور نام می‌برد و سایر ادیان یا فرقه‌های بدعت گذاشته‌شده (مثل بهائیت) از این حقوق برخوردار نیستند، البته در مقام تعارض یا ابهام و تردید بین قانون عادی و قانون اساسی قاعدتاً باید قاعده برتر، یعنی قانون اساسی را ملاک قرار داد و این ماده لایحه هم بر مبنای اصول قانون اساسی باید تفسیر شود. همچنین ماده ۵۶ لایحه که صدور حکم اعدام و نه تنها اجرای آن را برای نوجوانان زیر ۱۸ سال (شمسی) ممنوع می‌کند، احتمال دارد که با ایراد شرعی شورای نگهبان رو به رو شود. موارد دیگری نیز از این دست وجود داشت، یکی از مباحث اصلی در این لایحه استفاده از واژه «نهاد ملی» است. در این لایحه واژه ملی تا اندازه‌ای معنای «غیر دولتی بودن» را به ذهن می‌آورد. کلمه ملی دارای دو معنای وابسته و مرتبط بودن به یک «دولت» و همچنین قراردادن مؤسسه در خدمت مردم است، اما در این لایحه تعریف جامعی از «نهاد ملی» ارائه نشده بود. زمانی که در این لایحه اعضای نهاد معرفی می‌گردند، این برداشت اتفاق می‌افتد که نهاد ملی به صورت یک مؤسسه زیر نظر حاکمیت تعریف می‌گردد که ارائه‌دهنده خدماتی با جنبه ملی و عمومی است، اما این نهاد تابع سیاست‌ها و برنامه‌های دولت نیست که این دیدگاه نهادهای ملی را به سازمان‌های غیر دولتی و بیش

حیث اصول مدیریت، استفاده از منابع، ایجاد تحول و به کارگیری فناوری‌های نوین در جهت تسریع و تسهیل در امور و نیز صحت عمل، حسن شهرت، انضباط، مسؤلیت‌پذیری و پاسخگویی، رعایت حقوق مردم، اخلاق حرفه‌ای و شؤون اسلامی» که از اهداف سازمان هستند که باعث گردیده تا محورهای رابطه بین سازمان و اصلاحات اداری روشن شود. بر اساس ماده ۲ قانون تشکیل سازمان، وظایف آن به شرح زیر است:

- بازرسی مستمر کلیه وزارتخانه‌ها، ادارات، نیروهای نظامی و انتظامی، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آن‌ها، دفاتر اسناد رسمی، مؤسسات عام‌المنفعه، نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یا سهام آنان متعلق به دولت است، دولت به نحوی بر آن‌ها نظارت می‌نماید.

- انجام بازرسی‌های فوق‌العاده و ضروری که بر اساس نظر مقام معظم رهبری، به دستور رییس قوه قضاییه، درخواست رییس‌جمهور، کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی مجلس شورای اسلامی، بنا به تقاضای وزیر یا مسؤول دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط یا هر موردی که به نظر رییس سازمان، مهم به نظر آیند.

- اعلام موارد تخلف و نارسایی‌ها و سوءجریان‌ات داریو مالی در مورد وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادها به رییس‌جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیر دولتی کمک‌بگیر از دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی و در خصوص سوء و جریان‌ات اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رییس قوه قضاییه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصول ۸۸ و ۹۰ قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون ارجاع داده خواهد شد.

- در صورتی که گزارش بازرسی، حاکی از سوء جریان مالی یا اداری باشد، رییس سازمان، یک نسخه از آن را با دلایل و مدارک برای تعقیب و مجازات مرتکب مستقیماً به مرجع

از همه به «مؤسسات عمومی غیر دولتی» شبیه می‌نمایند. برای یافتن پاسخ این سؤال باید به سراغ نهادهایی بر مبنای تعهدات و اسناد بین‌المللی و به ویژه قطع‌نامه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل «اصول پاریس» مشهور است، ایجاد شده‌اند (۲۴).

۲-۲-۲- بند دوم: نهادهای ویژه: گروه‌های آسیب‌پذیر یا اقلیت‌ها در کشورهای مختلف، متفاوت هستند، اما دارای مشکلات مشترکی دارند که موجب تبعیض علیه آنان می‌شود. اعضای جامعه که اغلب توسط دولت‌ها هم شناسایی می‌شوند، به نهادهای ویژه‌ای برای حمایت، نیاز دارند. این افراد معمولاً مربوط به اقلیت‌های قومی، زبانی یا مذهبی، جوامع بومی، بیگانگان، مهاجران، پناهندگان، کودکان، زنان، تنگدستان و معلولان هستند.

نهادهای ویژه‌ای برای کمک به دولت و سیاست‌های اجتماعی که برای حمایت گروه‌های آسیب‌پذیر توسعه یافته‌اند، تأسیس گشته‌اند. این نهادها وظایفی مشابه وظایف کمیسیون‌های غیر تخصصی حقوق بشر و امبدزمن‌ها دارند. آن‌ها معمولاً اجازه دارند نمونه‌هایی از تبعیض علیه افراد آن گروه ویژه را یا علیه گروه به طور کلی، مورد بررسی قرار دهند، در صورتی که اصولاً می‌توانند شکایات تقدیمی توسط عضوی از آن گروه را علیه شخص دیگر یا یک دستگاه دولتی پیگیری کنند، اما مانند نهادهای ملی دیگر به ندرت اجازه دارند تصمیمات الزام‌آور صادر کنند یا اقدامات قضایی انجام دهند.

همچنین انجام کمک‌های مهم و مشورتی به افراد و مؤسسات و مسؤولیت نظارت بر تأثیر قوانین موجود و مفاد قانون اساسی مربوط به آن گروه از وظایف این‌گونه نهادهاست. در این راه آن‌ها معمولاً به عنوان مشاور مجلس و قوه مجریه یا حتی دادگستری ممکن است مورد استفاده قرار گیرند.

البته باید توجه داشت که نهادهای ویژه هم تنها در صورتی نهاد ملی شناخته می‌شوند که به جز صلاحیت عام در زمینه حقوق بشر که از آن معاف هستند، شناسه‌های اصلی دیگر نهادهای ملی مانند استقلال، تکرر و آموزش حقوق بشر را هم داشته باشند. مجمع عمومی ملل متحد هم در قطع‌نامه سال ۱۹۹۸ خود نسبت به افزایش سریع تمایل نسبت به ایجاد

### ۳- نقش مردم در تحقق و اجرای حقوق شهروندی

در تحقق و اجرای حقوق شهروندی، مردم یکی از مهم‌ترین عناصر هستند که می‌توانند نقش مستقیمی ایفا کنند.

#### ۳-۱- بند اول: آموزش حقوق شهروندی در دانشگاه‌ها

**و مدارس:** حقوق شهروندی اساساً مقوله‌ای مشارکتی است و با ارائه منشور حقوق شهروندی سطح مطالبه‌گری مردم افزایش می‌یابد، چراکه نسبت به حقوق خود اطلاع پیدا می‌کنند. وی ادامه داد: تحقق حقوق شهروندی باید به مطالبه شهروندان تبدیل شود. با ارائه منشور حقوق شهروندی مردم مطالبه‌گر می‌شوند و می‌فهمند از چه حقوقی برخوردار هستند. برای آموزش شهروندان نسبت به حقوق شهروندی، درس «مهارت‌های زندگی و رفتار شهروندی» به عنوان واحد درسی در دانشگاه‌ها ارائه می‌شود و همچنین قرار است در آموزش پرورش نیز در قالب واحد درسی، حقوق شهروندی آموزش داده شود. حقوق شهروندی سه رکن اساسی دارد و شامل مناسبات مردم با مردم، مناسبات مردم با دولت و مناسبات دولت با مردم است که در واقع از سه پایه اصلی حقوق شهروندی دو مورد اول مردم اثرگذاری مستقیم دارند و طبیعی است که اگر قرار است موضوعی در جامعه نهادینه شود، باید به مطالبه عمومی تبدیل شود و مشارکت، خواست مردم و مؤاخذه مردم از دستگاه سیاست حائز اهمیت است (۲۲).

#### ۳-۲- بند دوم: مطالبه‌گر بودن همراه با مشارکت:

ورود به جامعه مدنی که مبتنی بر رعایت حد بالایی از حقوق شهروندی است، در درجه نخست وابسته به مطالبه شهروندان است، اما مطالبه‌گر بودن همراه با گام برداشتن مهم است. افزایش و قابلیت دستگاه سیاست برای پاسخگویی به مطالبات مردم باید مورد توجه باشد، چراکه اگر ساز و کار لازم پیش‌بینی نشده باشد، بهترین قوانین کارویژه‌اش را از دست می‌دهد. برای ماندگار شدن منشور و این‌که با تغییرات سیاسی در قوه

مجریه این مهم همچنان پیگیری شود، به عنوان سند بالادستی ابلاغ شود و یا به قانون تبدیل شود.

### ۳-۳- بند سوم: اشکال در اجرای حقوق شهروندی:

حاکمیت‌ها تا زمانی که اقتدارگرا بودند و با اسلحه حاکمیت می‌کردند، نیازی به نظرات مردم نداشتند و حقوق مردم بر اساس سلايق آنان مشخص می‌شد. حاکمیت‌ها با پذیرفتن حق مردم به عنوان یک واقعیت اجتماعی، حقوق را بر اساس آن مد نظر قرار دادند و هم اسناد بین‌المللی و هم داخلی در این‌باره وجود دارد. پس در وجودداشتن این حقوق مشکل نداشتیم، مشکل در اجرای حقوق بود. شیوه اجرایی حقوق شهروندی همان شیوه‌های ناقص گذشته است (۱۴).

### ۳-۴- بند چهارم: دادرسی عادلانه بخشی از حقوق

**ملت:** حفاظت از حیثیت مردم در دادرسی عادلانه تبلور می‌یابد و باید دید این منشور در قوه قضاییه چگونه امکان اجرایی شدن دارد و رییس‌جمهور باید همه این‌ها را ارزیابی کند. اگر بخواهیم از دادگاه یا قوه قضاییه شکایتی داشته باشیم، نهادی فراقوه‌ای برای ارائه شکایت وجود ندارد و جالب اینجاست که متشاکی به شکایت شاکی باید رسیدگی کند. منشور حقوق شهروندی، نقطه عطفی در تاریخ حقوقی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که در راستای تحقق همه حقوق شهروندان ایران در ۱۲۰ ماده تهیه شده است. حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی، حق کرامت و برابری انسانی، حق آزادی و امنیت شهروندی، حق مشارکت در تعیین سرنوشت، حق اداره شایسته و حسن تدبیر، حق آزادی اندیشه و بیان، حق دسترسی به اطلاعات، حق دسترسی به فضای مجازی، حق حریم خصوصی، حق تشکل، تجمع و راهپیمایی، حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد، حق تشکیل و برخورداری از خانواده، حق برخورداری از دادخواهی عادلانه، حق اقتصاد شفاف و رقابتی، حق مسکن، حق مالکیت، حق اشتغال و کار شایسته، حق رفاه و تأمین اجتماعی، حق دسترسی و مشارکت فرهنگی، حق آموزش و پژوهش، حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار، حق صلح، امنیت و اقتدار ملی ابعاد ۲۲ گانه حقوق تعریف شده در این منشور است، اما بر اساس نظر کارشناسان، منشور حقوق شهروندی آغاز

فرآیندی است که نیازمند هم افزایی قوای سه‌گانه و آحاد شهروندان است و باید از جنبه قانونی ضمانت و پشتوانه اجرایی قوی برای آن لحاظ شود تا با گذشت زمان به عنوان برگ زرینی در تاریخ ماندگار شده و فارغ از سیاست‌زدگی، سیاسی کاری و شعارگونه‌بودن، به عنوان سندی پیشتاز در قوانین و مقررات زندگی اجتماعی نهادینه شود (۱۸).

### نتیجه‌گیری

ادبیات اجتماعی - سیاسی ما در سال‌های اخیر با تعبیر شهروندی مواجه شده است؛ تعبیری که آن را از منظر معنا شناختی‌اش قالب پیشرفته «شهروند» می‌داند و ادعان می‌کنند شهروندیان هنگامی که به حقوق یکدیگر احترام گذارده و به مسؤولیت‌های خویش در قبال شهر و اجتماع عمل کنند، به «شهروند» ارتقا یافته‌اند. با این اوصاف است که ما امروز می‌توانیم از مفهومی با عنوان حقوق شهروندی صحبت کنیم. در تعریف این مفهوم کارشناسان اعتقاد دارند که حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از وظایف و مسؤولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت. همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن حقوق بر عهده مدیران شهری، دولت یا به طور کلی قوای حاکم است.

پژوهش اکبریان طبری (۱۳۹۴ ش.) به بررسی مفهوم حقوق شهروندی و جایگاه آن در آرای هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پرداخته است که این پژوهش ما را در درک حقوق شهروندی و چگونگی اقدامات پیشگیرانه در مبارزه با نقض حقوق شهروندی یاری می‌رساند و همسو با پژوهش ما می‌باشد. در جلالی و ضیایی (۱۳۹۲ ش.) به بررسی نقش آمبود زمان‌ها در توسعه و ارتقای مردم سالاری پرداخته شده است و این مقاله ضمن تبیین رابطه آمبود زمان و مردم سالاری به واکاوی این مسأله می‌پردازد که آمبود زمان، تحت چه شرایطی و با چه ابزارهایی می‌تواند به گسترش مردم سالاری بپردازد و از این منظر می‌تواند راه‌گشای ما باشد. در تحقیق فرج پور (۱۳۹۴ ش.) به بررسی معیارهای تمایز حقوق بشر و حقوق شهروندی با تأکید بر حقوق اساسی ایران و

ایران نیز امیدوار شده‌اند که با توجه به نص صریح قانونی در مجازات سلب‌کنندگان حقوق مقرر ملت در قانون اساسی، دیگر شاهد تضييع بدون مجازات حقوق اساسی و فطری خود نخواهند بود، اما تصویب ماده واحده قانون حقوق شهروندی در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ توسط مجلس که قریب چند ماه قبل از آن به صورت بخش‌نامه و دستورالعمل توسط ریاست قوه قضاییه به دستگاه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط ابلاغ شده بود، حاکی از این واقعیت است که متأسفانه هنوز هم حقوق شهروندی افراد علی‌الخصوص از حیث برخورد مسؤولان دستگاه‌های قضایی و ضابطان دادگستری با مردم به درستی رعایت نمی‌شود.

به هر حال تصویب قوانین در هر جامعه‌ای ناشی از نیاز اجتماع در حوزه قانون مصوب است. اگر قانون اساسی و قانون مجازات اسلامی جواب‌گوی امنیت قضایی و حقوق شهروندان می‌بود، نیاز به تصویب و ابلاغ این قانون و همچنین تشکیل ستاد صیانت از حقوق شهروندان (که اخیراً به دستور رییس جمهور، وزیر کشور موظف به تشکیل آن شده است) به هیچ وجه احساس نمی‌شد. تجربه نشان داده تصویب قوانین مکرر که بر مضمون واحد دلالت دارد، حاکی از آن است که مضمون مورد نظر فاقد زیرساخت‌های مناسب در جامعه است و برای مردم و مسؤولان درونی نشده است. در مورد این قانون نیز چنین به نظر می‌رسد که اساساً هنوز در کشور ما مفاهیمی، چون حقوق بشر و حقوق شهروندی برای بسیاری از افراد، ناآشنا و غیر مانوس است و این نیازمند آموزش و اطلاع‌رسانی دقیق‌تر به مردم، مسؤولان و همچنین متولیان امور قضایی است.

بر اساس اهدافی که در قانون اساسی برای نظام ترسیم شده و به ویژه طبق اصل سوم قانون اساسی، وظایفی برای دولت به روشنی تدوین شده که طبق آن دولت موظف است برای برقراری رفاه و امنیت همه مردم و برقراری عدالت و برابری و تأمین آزادی‌های سیاسی ملت اعم از زنان، مردان و اقلیت‌ها و قومیت‌های مختلف تلاش کنند. مردم این حق را طبق قانون اساسی دارند که از راه‌های دموکراتیک به حقوق قانونی خود دست یابند و وظیفه دولت در این زمینه، ایجاد نهادهای انتخابی دیگر و نهادهای اجتماعی است که از دل

فرانسه پرداخته شده است که این پژوهش نیز در درک بیشتر حقوق شهروندی در ایران همسو با پژوهش حاضر می‌باشد. در پژوهش مقامی (۱۳۹۲ ش.) در مقاله‌ای به بررسی «نهاد ملی حقوق شهروندی» پرداخته که مقاله وی ضمن بررسی تاریخچه نهادهای ملی از ۱۹۴۶ تا تصویب اصول پاریس در ۱۹۹۱ و برخی تحولات پس از آن به برخی نمونه‌های این نهادها و امتیازات نهادهای ملی حقوق بشر بر دیگر ترتیبات حمایتی حقوق بشر و اهمیت آن اشاره و همچنین سعی کرده است با توجه به وضعیت ایران پیشنهاد مناسبی نیز ارائه گردد که همان تشکیل «نهاد ملی دفاع از حقوق شهروندی» است و از این منظر می‌تواند راه‌گشای ما در پژوهش حال حاضر باشد. بنا به تصور غالب در ایران، در تحقق و نقض حقوق شهروندی، دولت عامل اصلی است. در این تلقی، اگر حقوق، از جمله حقوق شهروندی، در جامعه محقق شده است، باید آن را ناشی از اراده دولت دانست و اگر جامعه نتوانسته است به مراتب و مدارج درخوری از معیارهای حقوق شهروندی دست یابد، این دولت است که نخواسته است جامعه از سطوح مناسب حقوق شهروندی برخوردار و بهره‌مند شود. این نوع نگاه که به صورت‌های مختلف در اندیشه سیاسی - اجتماعی - حقوقی ایران از دیرباز رواج بسیار داشته است، نقش و اهمیت مناسبات اجتماعی در شکل‌گیری و تحول ساخت حقوقی را نادیده می‌انگارد و حقوق را یک جاده یکسویه معنا می‌کند که بود و نبودش فقط وابسته به اراده دولت است و روندگان این جاده، عناصر منفعل و شکل‌پذیری هستند که فقط بازیگران نمایش‌نامه دولت نوشته‌اند. در کشور ما ایران منابع قانونی چندی برای حفاظت از حقوق اساسی و انسانی اتباع ایرانی وجود دارد. بدون شک قانون اساسی به عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور در اصول ۱۹ الی ۴۱ به تشریح این حقوق پرداخته و آن‌ها را بیان کرده است، هرچند که ضمانت اجرای این اصول به وضوح بیان نشده و مشخص نیست که اگر مفاد این اصول در باب حقوق ملت نقض شد مردم ایران می‌بایستی به کدام مرجع عارض شوند و داد از دست‌رفته خود را بستانند. به نظر می‌رسد که مقنن با تصویب مواد ۵۷۰ الی ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی سعی در حل این معضل داشته و مردم

مردم شکل می‌گیرند. از سوی دیگر، داشتن مطبوعات آزاد و حضور تشکل‌های صنفی و مدنی و سیاسی از دیگر حقوقی است که در قانون اساسی برای مردم تعریف شده است. دولت باید با در نظر گرفتن قانون اساسی و افق چشم‌انداز، برنامه‌های مشخص توسعه‌ای خود را تدوین کرده و آن‌ها را به تصویب مراجع منتخب مردم برساند، چراکه در قانون اساسی ما تعیین‌کنندگان اصلی، مردم هستند و باید همه برنامه‌های دولت به تصویب مراجع منتخب مردم برسد. در ضمن بهترین راه ارزیابی عملکرد دولت در بخش‌های مختلف، مقایسه تطبیقی آن با قانون اساسی است.

در این پژوهش به بررسی نقش حکومت و مردم در تحقق و اجرای حقوق شهروندی پرداخته شده است که در طی انجام این تحقیق به دلیل عدم شفافیت قوانین در تشریح صحیح وظایف دولت در قبال مردم و تعیین حقوق شهروندی و همچنین عدم پذیرش بسیاری از نقش‌های مردمی در قبال انجام حقوق شهروندی، محقق با محدودیت‌های زیادی در مشخص کردن نقش مردم و حکومت در اجرا و تحقق حقوق شهروندی مواجه بوده است.

## References

1. Barbalt JM. Citizenship Rights. Translated by Kargozar J. *Journal of Fundamental Rights* 2004; 2(2): 129-134.
2. Emami M, Ostovar Sangari K. Administrative Law. 1st ed. Tehran: Mizan; 2012. Vol.2.
3. Tarihi F. Bahrain Forum. Tehran: Mortazavi; 1954.
4. Ragheb Isfahani B. Al-Mufradat fi Gharib al-Quran. Qom: Dar al-Jajra Institute; 1984. Vol.21.
5. Tabarsi A. Majma 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran. Tehran: Nasser Khosrow; 1951.
6. Mostafavi H. Research in the Words of the Quran. Tehran: Book Translation and Publishing Company; 1981.
7. Jafari Langroudi MJ. Law Terminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2016.
8. Katozian N. Fundamentals of Public Law. Tehran: Mizan Publications; 2016.
9. Katozian N. Introduction to Law. Tehran: Ganj-e Danesh-e Kaveh Publications; 2017.
10. Razaqpour Y. A Look at Citizenship Rights. *Kanoon Monthly* 2011; 14: 6-21.
11. Dabirnia H. The Legitimacy of Political Power and Its Impact on People's Sovereignty. *Soroush Adalat Specialized Law Quarterly* 2011; 11(3): 8-23.
12. Mir Emadi T. Fundamentals of National and Citizenship Rights in the Information Exchange Space. Tehran: Institute for Research and Development of Humanities; 2008.
13. Jafari Langroudi MJ. Extended in Legal Terminology. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2015. Vol.2.
14. Nasrasfahani A. Familiarity with the Constitution of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Jihad Daneshgahi Publications; 2002.
15. Shabani Y. What are quasi-judicial authorities in the opinions of the General Assembly of the Court of Administrative Justice? *Public Law Reviews* 2017; 2(3): 93-116.
16. Khalatbari A. The Necessity of Supervising the Judiciary on the Decisions of the Commissions, Boards and Administrative Courts. *Journal of the Bar Association* 1965; 100(5): 1-22.
17. Sheidfar Z. Public and Administrative Law. Tehran: University of Tehran Press; 1963.
18. Mahmoudi J. Analytical study of administrative proceedings in Iranian law. Tehran: Jangal Publications; 2011.
19. Molabigi GH. Jurisdiction and Procedure of the Court of Administrative Justice. 2nd ed. Tehran: Jangal; 2015.
20. Hadavand M, Fallah M. Special Administrative Courts in the Light of Fair Principles and Procedures (Iranian Law and Comparative Study). 2nd ed. Tehran: Khorsandi; 2015.
21. Kaveh E. Non-Judicial (Quasi-Judicial) Administrative Authorities and Judicial Supervision on them. M.Sc. Thesis. Tehran: University of Tehran; 2006. p.48.
22. Parvin KH, Delbar H. Evaluation and Correction of Administrative Processes in the Mirror of the General Inspection Organization. *Quarterly Journal of Public Law Research* 2014; 15(42): 131-149.
23. Rezaeizadeh MJ. Ambudzaman; Citizen's Rights Guard, Innovator of Administrative Reforms. *Quarterly Journal of Law, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran* 2010; 11(3): 174-189.
24. Maghami A. National Institution of Citizenship Rights. *Journal of Legal Thinkers* 2013; 4(6): 12-28.